

حدیث مکرر علم و ثروت

محمد حسین فروزان

معلم می‌سوزد!

طی سال‌های اخیر از طریق رسانه‌های خبری گوناگون کم و بیش شاهد اعتصابات و اعتراض گروه‌های کثیری از معلمان و دبیران بودیم که شاید علت اصلی آن نیز وضعیت ناسالم معیشتی و چند شفته بودن اکثر معلمان به دلیل ناتوانی در جهت کسب آسایش و رفاه اقتصادی خانواده‌های آنان، بوده است.

علاوه بر این، معلم سال پنجم دبستان، در این خصوص می‌گوید: زمانی بود که در مجلات طنز و فکاهی از کارمندان و کارگران به عنوان ضعیف‌ترین و محروم‌ترین قشر جامعه نام برده و در واقع آن‌ها به عنوان نساد طبقه ضعیف جامعه از نظر اقتصادی به شمار آمده و معرفی می‌شدند، اما امروز معلمی به عنوان شغلی که نه درآمد دارد نه آتیه و نه آینده به شمار می‌رود و اگر نبود جنبه اعتقادی و عشقی که معلمان نسبت به شغل و حرفه مقدس خود دارند، دیگر کسی به سراغ این کار پررحمت و کم‌درآمد نمی‌رفت. هنوز زمان زیادی از موعظی که معلمان تازه مردم و جامعه‌ساز و قرب فراوان داشتند و به عنوان بزرگ معلم و شهر روی آن‌ها حساب می‌شد نگذشته است؛ زیرا اعتقاد جامعه بر این بود که برای رسیدن به اجتماعی ایده‌آل و نرمال که بر پایه علم و آگاهی بنا شده باشد باید روی معلمان سرمایه‌گذاری کرد و با تضمین اقتصادی و اجتماعی آن‌ها زمینه را فراهم آورد که ایشان بدون هیچ گونه نگرانی نسبت به تربیت کودکان و نوجوانان اقدام و اهتمام ورزند.

وی می‌افزاید: اما امروز معلمان جامعه ما می‌سوزند و در دوره آب می‌شوند تا علاوه بر این که به کار تدریس خود نظمی وارد نیابند از پس زندگی خود نیز برآیند ما هم مثل سایر اقشار جامعه دارای خانواده و زندگی و رفت‌وآمد... هستیم و کارمان هم به گونه‌ای است که باید با ذهن آزاد و راحت تدریس کنیم، اما وقتی تمام فکر و ذکر ما به آخر برج است تا چند روز حقوق ماهیانه را چگونه بین صاحب خانه، بقال سر کوچک، نانوا، فصاب، بزاز و... تقسیم کنیم چه طور می‌توانیم فرزندان کشور ایران را با علوم روز آشنا کرده و مشکلات آن‌ها را حل کنیم؟

هم‌اکنون اکثر معلمان دارای یک یا دو شغل در کنار معلمی خود هستند تا جبران کسری حقوق آن‌ها را نمایند دوستان خود من از مسافرتی گرفته تا کارگری ساختمان و کار در میدان سیوه و نره بار را انجام می‌دهند و البته مثل سایر هم طبقه‌ای‌های مان در اجتماع باز هشتمنان گروه بهمان است!

وی که خود به نظر ظاهر تدریس خصوصی می‌کند، می‌افزاید: بگو معلم به خصوص در مقاطع ابتدایی و

اطمینان خاصی نسبت به معلمان خود دارند و حرف و عمل آن‌ها برایشان حصد است؛ بنابراین معلم به خوبی می‌تواند نسبت به حل مشکلات عاطفی و روحی و روانی آن‌ها اقدام کند، اما وقتی که خود معلم از چند جهت تحت فشار و در مضیقه و مشکل است دیگر نمی‌تواند فکر خود را معطوف به کلاس درس نماید و نتواند، روانشناسی که حتی کار تدریس او نیز با صمغ‌های فراوان روبرو می‌شود.

لیلا شمسایی، دبیر شیمی یکی از دبیرستان‌های اطراف تهران نیز در این خصوص می‌گوید: «اگر فیش‌های حقوقی دبیران را با سایر کارمندان دولت مقایسه کنید، با توجه به تحصیلات و سابقه کاری آن‌ها به راحتی می‌توانید به تفاوت آن‌ها با یکدیگر پی ببرید. در حالی که کار ما یک تعالیات ذهنی است که در آن باید افکار معلم منجم و پیوسته باشد تا بتواند به بهترین نحوه مطالب را به شاگردان بیاموزد.»

وی با اعتقاد به این که مهر معلمی بر مهر والدین ارجحیت دارد می‌گوید: نکته‌ای که اکثر مردم و مسئولان به آن توجه نمی‌کنند این است که یک معلم هم یک پدر و مادر است. انسانی که باید یک زندگی را بگذراند و به سراع شغلی آمده که حوصله و صبر ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین ابزار و لازمه آن است و حال آنکه این شغل را برگزیده باید تمام مشکلات روزمره‌اش را کفهر روز هم بر آن افزوده می‌شود. ناهاده و بگردد تا با فکری باز و خاطری آسوده به شاگردانش مرور علم را بیاموزد، اما زمانی که روح مجروحش به همان حال رها می‌شود و زخم‌های اتهام بیافته‌اش نمک می‌خورد، چگونه می‌تواند حلیم و صبور باشد و تا کی می‌تواند یک ذهن پر ابراهام را خالی کند؟»

خطیرترین مسوولیت

به اعتقاد کارشناسان امور فرهنگی، خطیرترین مسوولیت در زمینه فرهنگ‌سازی در هر جامعه‌ای بر عهده دبیران، آموزگاران و استادان آن جامعه است و از آنجا که این گروه به طور مستقیم با موحته‌های نسل جوان جامعه در ارتباط هستند مسوولیت سنگینی بر دوش آن‌ها احساس می‌شود و سایرین انتخاب افرادی که به عنوان آموزگار در جامعه مشغول فعالیت می‌شوند باید تا حدی و

دقت و معیارهای اساسی انجام پذیرد.

دکتر سجادی فره کارشناس علوم تربیتی و استاد دانشگاه در این خصوص می‌گوید: «باید توجه داشته باشیم که ارزش و اعتبار هر نظام آموزشی به اعتبار و حیثیت معلمان در آن نظام بستگی دارد و به عبارت دیگر هر کشوری که بیش از یک سوم جمعیت آن را آموزگاران و معلمان آموزش عالی تشکیل می‌دهند، اقتضا می‌کند این جمعیت بزرگ فرهنگی با تدابیر بسیار شایسته و نیکو در تربیت دانش‌آموزان بکوشند و این مسیر نمی‌شود مگر آن که در نظام آموزشی، مقام و رتبه معلم در حدی باشد که مردم و اجتماع و مسوولان برای او احترام و ارزش قایل شوند و این موضوع نیز به نوبه خود به شخصیت، معلومات،

تجربیات و اخلاق معلم بستگی دارد.» وی می‌افزاید: «چندی پیش گویا طرحی به تصویب رسید که فقط دانش‌آموختگان با مدارک تحصیلی لیسانس و بالاتر می‌توانند به عنوان معلم و دبیر در آموزش و پرورش استخدام شوند و فعالیت کنند. این هر چند شرط لازم برای این موضوع است، اما کافی نیست زیرا باید علاوه بر معلومات، آموزگار دارای تجربیات حرفه‌ای و عشق و علاقه فراوان و صبر و تحمل بسیار باشد تا بازار کار او مناسب و ارزش نظام آموزشی بالا رود.»

متأسفانه پس از راه اندازی مدارس غیرانتفاعی، مشکل بزرگی برای جامعه فرهنگی ما به وجود آمد. در این مدارس معلمان کار می‌کردند که نه دوره تربیت مدرس را دیده‌اند و نه در تخصصشان تدریس می‌کنند که البته در بعضی مدارس دولتی نیز این موارد را در مورد معلمان حق التدریسی مشاهده می‌کنیم. خود من مهندس همزمانی را می‌شناختم که ادبیات فارسی تدریس می‌کرد و بالطبع این مساله موجب افت شدید کیفیت آموزش و بازی با سرتیغ شده ای از جوانان که سرمایه‌های آینده کشور محسوب می‌شوند است.»

سجادی فره می‌افزاید: «همچنین ناپسانمانی سیستم‌های برنامه‌ریزی در طول هر سال، تعریف نشدن جایگاه معلمان برای بچه‌ها، تعدد افراد در هر کلاس درسی و نامناسب بودن فضای آموزشی نیز از دیگر مشکلاتی است که به مشکل اقتصادی معلمان افزوده است.»

باید دقت کنیم که اگر چه تدریس شغل شریفی است، اما هرگز با پول کارمندی کسی قادر به ساختن خانه شده و این باعث ناامید شدن از شغل و بی‌تفاوتی نسبت به وظایف سنگین معلم می‌شود که فضا مضرت آن در درازمدت نمود عینی پیدا خواهد کرد.

بود چه کم، حقوق کم، فضای کم و... یکی از مشکلات عمده‌ای که از دیرباز معلمان ایرانی با آن مواجه بوده‌اند عدم تخصیص بودجه‌های مناسب جهت مقوله آموزش و پرورش می‌باشد که عوارض ناشی از آن را هر چند زایده می‌توان مورد بررسی قرار داد.

علاوه بر مشکلات عدیده اقتصادی که بر اثر عدم اختصاص این بودجه مناسب گریبان جامعه آموزشی کشور را می‌گیرد، این مساله سبب می‌گردد تا آرایه خدمات آموزشی نیز با معضلات بسیاری همراه گردیده باشد که از جمله می‌توان به فضای نامناسب آموزش اشاره نمود.

بسیاری از معلمان از فضای کم کلاس‌ها و تراکم دانش‌آموزان نگران بوده و این مساله را موجب کاهش شدید کیفیت آموزش می‌دانند.

اله اسکویی، دبیر سال سوم راهنمایی با اشاره به تراکم شدید دانش‌آموزان در مدارس دولتی، عدم استاندارد وسایل آموزشی را نیز مزید بر علت دانسته و می‌گوید: «یکی از مشکلات دایمی ما معلمان تعدد دانش‌آموزان در کلاس‌های گوناگون است که کاملاً بی‌استانداردهای جهانی آموزشی متفاوت می‌باشد. وقتی در یک کلاس ۱۲ متری حدود ۵۰ دانش‌آموز در کنار یکدیگر به صورت فشرده می‌نشینند، حتی هوای کافی برای تنفس آن‌ها و ما وجود ندارد. از طرفی گرد و خاک ناشی از نوشتن و پاک کردن نخته سیاه نیز یکی از دلایل بیماری ریوی و تنفسی کلبه آموزگاران در مقاطع مختلف است.»

یکی از نکات مهم دیگری که مسوولان باید به آن دقت کنند بودجه‌ای است که به مدارس و معلمان اختصاص می‌یابد. هم‌اکنون در اکثر کشورهای جهان برای رفاه دو گروه از افراد جامعه بیش از سایرین سرمایه‌گذاری می‌شود؛ یکی قضات دادگستری و دوم معلمان و آموزگاران. زیرا آسایش و رفاه این دو گروه موجب ترویج عدالت و ارتقای سطح معلومات و دانش در آن جامعه می‌شود. به عنوان مثال در کشوری مثل ژاپن که به این مدارج از موفقیت دست یافته است، با اختصاص بودجه سنگین جهت آموزش و پرورش به تمام زوایای مورد نیاز معلمان توجه و دقت کافی می‌شود.

وی وظیفه آموزگاران را امری فراتر از آموزش کتب درسی دانسته و می افزاید: معلم باید علاوه بر آموزش و تدریس دروس تحصیلی، روش زندگی و اخلاق اجتماعی را نیز به کودکان بیاموزد. زیرا دانش آموزان انگوگیری قوی و سرپوشی از معلمان خود دارند و به سبب تعاملی که در طول روز و هفته و سال با یکدیگر دارند خیلی زود از آموزگاران خود انگوگیری می کنند. بنابراین باید در گزینش معلمان دقت ویژه ای به خرج دهیم تا افرادی که به عنوان راهنمایان فرزندان و آینده این کشور انتخاب می شوند از هر نظر صلاحیت رسیدن به این مسوولیت خطیر را داشته باشند.

معلم و خانواده

کارشناسان علوم تربیتی معتقدند معلمان علاوه بر تعامل و ارتباطی که با دانش آموزان باید برقرار کنند با خانواده های آن ها نیز باید در ارتباط مستمر بوده و می توانند بعنوان مشاوران امین در این خصوص سیر فعالیت داشته و حتی اختلافات موجود میان آن ها را حل و فصل نمایند. هر چند این مهم زمانی به موفقیت نزدیک می شود که معلمان خود از نظر خانوادگی و اجتماعی دارای کمترین مشکل بوده و یا قدرت حل مشکلات موجود در پیش راه خود را داشته باشند.

از سوی دیگر خانواده ها نیز به سبب از تساط فرزندانشان با معلمان به نوعی باال ها در ارتباط مستقیم بوده و حتی آن ها هم از معلمان انگوگیری می کنند و چنانچه در وجود این آموزگاران نشانه های بزرگ را بیابند با تواضع، احترام و فروتنی با آن ها برخورد می کنند.

سپهر گنجی، دانش آموز سال آخر دبیرستان، تعامل میان والدین و آموزگار را الزامی دانسته و می گوید: «به عقیده من زمانی که معلمان با خانواده ها و بالعکس در ارتباط مستقیم بوده و از احوال هم جويا باشند و هر دو با هم نسبت به دانش آموز خود حساسیت نشان دهند نتیجه بهتری برای شاگردان رقم خواهد خورد زیرا یک سوی از مشکلات آموزشی را معلم باید برای خانواده حل کند و یک عده معضلاتی که معلم با شاگردان یا محیط آموزشی دارد که با دخالت و مساعدت خانواده ها و والدین شاگردان قابل حل و فصل شدن است.»

وی می افزاید: «وقتی ما رضای خوب و مهربانانه و دوستانه را از طرف معلم خود مشاهده می کنیم دیگر احساس نمی کنیم که از محیط خانواده خود دور شده ایم، بلکه خود را در همان حال و هوای صمیمانه خانه احساس می کنیم و مسلماً درس و علم آموزی در این شرایط برلمان آسان تر و بهتر خواهد بود. ما از مشکلات فراروی معلمان باخبر هستیم و از دولت و مسوولان انتظار داریم برای پرورش استعدادهای نوجوانان کشور و شکوفایی گل های دانش و ذهن جوانان با سرمایه گذاری بر روی مغوله آموزش و پرورش و حل مشکلات معلمان، فضا را برای رسیدن به جامعه ای بر اساس علم آموزی مهیا نمایند.»

معلم نماه عشق و صبر

به رغم تمام مشکلات موجود و کمبودها و نقیصه های حاکم بر وزارت آموزش و پرورش و با وجود سنگ های سنگین پیش پای معلمان، آنچه که باعث می شود تا آن ها با علاقه و امید و پشتکاری ستودنی همچنان کار علم آموزی به فرزندان این کشور را ادامه داده و چون کوه در برابر مشکلات ایستادگی کنند عشق و علاقه یا صبری است که در وجود تمام معلمان وجود داشته و مثال ردنی است!

زورز ولی، یکی از دبیران نمونه کشور سوئد، در این خصوص در گفت و گو با یکی از نشریات محلی می گوید: «به اعتقاد من کار معلم پرآکندن عشق در جامعه است. او با تلاش خود که چه بسا شبانه روز به فکر شاگردان است، درس اخلاقی و زندگی را که مهم ترین آموزه های جهان است به دیگران می آموزد و هر مائمی را که بر سر راهش باشد با صبر و پشتکار خویش از میان برمی دارد و با این که در ذهن پر تلاطم خود، در افکار گوناگونی غرق است، اما در کلاس درس فارغ از تمام جهان تنها و تنها به عشق خود (آموزش) فکر می کند.»

معلم بهترین تائیه های زندگی خود را در کلاس و در میان شاگردانش می گذراند و هر سال آتوشش پذیرای فرزندی است که تا عمر دارند، مسلماً او را غذاکاری های او را و محبت های او را یاد نخواهند برد.»

آنچه مسلم است، حدیث درد و رنج و مشکلات معلمان هنوز داغ و جانفرسا است. معلمانی دلسوز و مسوول های صبر و آموزش، در روز معلم بیش از آن که نیازمند تعریف و تمجید و تبریک های ما باشند در انتظار دستاورد هستند که به بارشان بیاید و برترین وظیفه وزارت آموزش و پرورش در این روز ایجاد امکاناتی برای آسایش فکری و آرامش زندگی و روحی و روانی این قشر عظیم جامعه است تا به این وسیله بوسه ای بر دست و پیشانی خسته معلمان رند. و به یاد داشته باشیم که تحقق این مهم موجب آرامش کودکان و نوجوانان و علم آموزی صحیح و دانش اندوزی بهتر آنان خواهد شد و راه را برای رسیدن به سوی آینده ای روشن تر میسر و هموارتر خواهد نمود.